

## رابطه آزار کودکی و آسیب‌پذیری هیجانی با نشانه‌های شخصیت مرزی: نقش واسطه‌ای طرحواره‌های هیجانی و نظم‌جویی هیجانی

### The Role of Childhood Abuse and Emotional Vulnerability in Borderline Personality Traits: The Mediating Roles of Emotional Schemas and Emotional Regulation

Hamid Yaghubi, PhD  
Shahed University

Jafar Hasani, PhD  
Kharazmi University

جعفر حسینی  
استاد گروه روان‌شناسی  
دانشگاه خوارزمی

حمید یعقوبی  
دانشیار گروه روان‌شناسی  
دانشگاه شاهد

Majid Mahmoud Alilo, PhD  
Tabriz University

Vahid Sabri  
PhD in Clinical Psychology  
Shahed University

وحید صبری\*  
دکتری روان‌شناسی بالینی  
دانشگاه شاهد

مجید محمودعلیلو  
استاد گروه روان‌شناسی  
دانشگاه تبریز

#### چکیده

هدف این پژوهش تعیین نقش واسطه‌ای طرحواره‌های هیجانی و نظم‌جویی هیجانی در رابطه بین آزار کودکی و آسیب‌پذیری هیجانی با ویژگی‌های شخصیت مرزی بود. این پژوهش از نوع همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. ۴۶۲ نفر از جمعیت عمومی استان آذربایجان غربی از طریق فضای مجازی انتخاب شدند و به مقیاس خودگزارش‌دهی آزار کودکی (محمدخانی، محمدی، نظری، صلواتی و زراقی، ۲۰۰۳)، مقیاس آسیب‌پذیری هیجانی دوران کودکی (سائر و بانر، ۲۰۰۹)، پرسشنامه نظم‌جویی هیجان (گراس و جان، ۲۰۰۲)، مقیاس طرحواره‌های هیجانی (لیهی، ۲۰۱۱) و پرسشنامه شخصیت مرزی (محمدزاده، گودرزی، تقوی و ملازاده، ۲۰۰۵) پاسخ دادند. یافته‌ها نشان داد آزار کودکی و آسیب‌پذیری هیجانی به‌طور مثبت معنا دار نشانه‌های شخصیت مرزی را پیش‌بینی می‌کند. طرحواره‌های هیجانی با برقراری رابطه مثبت معنا دار بین آزار کودکی و نشانه‌های شخصیت مرزی، نقش واسطه‌ای داشت. هم‌چنین طرحواره‌های هیجانی بین آزار کودکی و آسیب‌پذیری هیجانی با نارسا نظم‌جویی هیجانی نیز نقش واسطه‌ای داشت. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که طرحواره‌های هیجانی می‌توانند نشانه‌های شخصیت مرزی را افزایش دهند.

واژه‌های کلیدی: آزار کودکی، طرحواره هیجانی، شخصیت مرزی

#### Abstract

The purpose of the present study was to investigate the mediating role of emotional schemas and emotional regulation in the relationship between child abuse, emotional vulnerability and borderline personality feature. The present study is a correlational study and structural equation modeling. Participants were 462 people of general population of West Azerbaijan province were selected by cyberspace sampling method. For data gathering, Child Abuse Self Report Scale (Mohammadkhani, Mohammad, Nazari, Salavati & Razzaghi, 2003), Childhood Emotional Vulnerability (Sauer & Bauer, 2009), Emotional Schemas (Leahy, 2011), and Borderline Personality Feature (Mohammadzadeh, Godarzi, Taghavi, Mollazadeh, 2005) were used. The results showed that conformity emotional schemas and emotion regulation were significant positive predictors borderline personality Emotional schema have a mediating role by establishing a positive and significant relationship between child abuse and borderline personality feature. Emotional schemas also mediated between child abuse and emotional vulnerability with emotional dysregulation. Based on the findings of this study, it can be concluded that emotional schemas can increase borderline personality traits.

**Keywords:** childhood abuse, emotional schema, borderline personality

received: 27 December 2020

accepted: 12 May 2021

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

\*Contact information: vahidsabri87@gmail.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری روان‌شناسی بالینی دانشگاه شاهد تهران است.

## مقدمه

اختلال شخصیت مرزی<sup>۱</sup> یکی از شدیدترین اختلال‌های روانی است که با نارسا نظم‌جویی هیجانی<sup>۲</sup>، شناختی، رفتاری و روابط بین فردی مشخص می‌شود (کرینگ، دیویسون، نیل و جانسون، ۲۰۱۸). نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی شامل ترس از ترک شدن، روابط ناپایدار با نوسان بین ارزنده‌سازی و ناززنده‌سازی<sup>۳</sup> دیگران، مشکل در مهار خشم و احساس پوچی مزمن است. رفتارهای خودآسیب‌رسان غیرخودکشی‌گرا<sup>۴</sup> و اقدام به خودکشی در این جمعیت شایع است (کرینگ و دیگران، ۲۰۱۸). نظریه‌ها و مدل‌های متعددی در زمینه سبب‌شناسی اختلال شخصیت مرزی وجود دارد که همه آن‌ها بر تعامل بین عوامل محیطی و زیستی تأکید می‌کنند. لینهان در مدل زیستی اجتماعی<sup>۵</sup> بر آسیب‌پذیری زیستی هیجانی و محیط بی‌اعتبارساز<sup>۶</sup> در شکل‌گیری اختلال شخصیت مرزی تأکید می‌کند (کو، خوری، مت‌کالف، فیزپاتریک و گودویل، ۲۰۱۵).

در نظریه زیستی اجتماعی لینهان (۱۹۹۳) اختلال شخصیت مرزی اساساً نوعی نارساکنشی<sup>۷</sup> در نظام نظم‌جویی هیجان است و موجب الگوی رفتاری ناکارآمد و نامناسب در این بیماران می‌شود. نارسا نظم‌جویی هیجان ناشی از آسیب‌پذیری زیستی هیجان است و این آسیب‌پذیری به نوعی آمادگی زیستی برای ابتلا به بی‌ثباتی هیجانی اشاره دارد که معمولاً شامل حساسیت واکنش‌پذیری<sup>۸</sup> افراطی به محرک هیجانی و بازگشت‌کُند یا تأخیری به خط پایه<sup>۹</sup> زمان برانگیختگی هیجانی است. از نظر لینهان (۱۹۹۳) بروز اختلال شخصیت مرزی در محیط بی‌اعتبارساز روی می‌دهد و در چنین محیطی چهره‌های مهم زندگی، تجارب عاطفی و هیجانی کودک را بی‌اعتبار می‌سازند. این وضعیت می‌تواند در یک خانواده<sup>۱۰</sup> به‌ظاهر سالم یا در

خانواده آشفته مشاهده شود. بی‌اعتبارسازی ممکن است به شکل انواع آزار از جمله جسمی، جنسی، هیجان و غفلت روی دهد.

آزار کودکی به‌عنوان نمونه‌ای از محیط بی‌اعتبارساز خطرناک‌ترین تهدید به‌زیستی جسمی و روان‌شناختی کودکان است (نورمن، بیامبا، بوچارت و اسکات، ۲۰۱۲). آزار جنسی کودکی در ۱۶/۱ تا ۸۵/۷ درصد بیماران اختلال شخصیت مرزی گزارش شده است (ریس، فیزماریک و گاندرسون، ۲۰۱۵؛ لاپورته و گاتمن، ۲۰۰۱؛ مارتین، بائر و جورونا، ۲۰۱۱؛ مرزا، پاپ و کورتانه، ۲۰۱۵).

بعد مهم دیگر در کنار محیط بی‌اعتبارساز در نظریه لینهان، آسیب‌پذیری هیجانی است که در افراد دارای اختلال شخصیت مرزی با سطوح بالای آسیب‌پذیری هیجانی بیش از جمعیت عمومی مشاهده می‌شوند (کراول و دیگران، ۲۰۰۹). این آسیب‌پذیری بر اساس سه مفهوم حساسیت هیجانی<sup>۱۱</sup>، واکنش‌پذیری هیجانی<sup>۱۲</sup> و بازگشت‌کُند به خط پایه به‌هنگام برانگیختگی<sup>۱۳</sup> مشخص و از حمایت تجربی بالایی نیز برخوردار شده است (کو و لینهان، ۲۰۰۹). به‌عبارت دیگر، افراد با اختلال شخصیت مرزی نسبت به محرک‌های هیجانی در محیط پیرامون خود حساس‌اند، واکنش شدیدی نسبت به آن‌ها نشان می‌دهند و بعد از واکنش، زمان زیادی برای بازگشت به حالت عادی صرف خواهند کرد. رفتارهای شدید مانند خودزنی، ژست‌های خودکشی<sup>۱۴</sup> و انفجار خشم<sup>۱۵</sup> در این افراد تلاشی برای تنظیم هیجان‌های منفی و نیاز به ابراز توجه محیطی بیشتر است (لیهی، ۲۰۱۸). از آنجاکه همه افراد دارای تجارب آزار و آسیب‌پذیری هیجانی دچار اختلال شخصیت مرزی نشده‌اند و به اختلال‌های روانی دیگر مانند افسردگی یا اختلال تنیدگی پس‌ضربه‌ای<sup>۱۶</sup> نیز مبتلا شده‌اند،

- 1 - borderline personality disorder
- 2 - emotion dysregulation
- 3 - devaluation
- 4 - non-suicidal self-harm
- 5 - biosocial models
- 6 - invalidation environment
- 7 - dysfunction

- 8 - sensitive reactivity
- 9 - emotional sensitivity
- 10 - emotional reactivity
- 11 - slow return to baseline at arousal
- 12 - suicide gestures
- 13 - outburst of anger
- 14 - post traumatic stress disorder

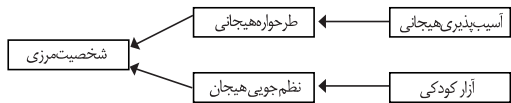
دیگر افرادی وجود دارند که فقط با تجربهٔ آزار کودکی بدون آسیب‌پذیری هیجانی دارای اختلال شخصیت مرزی هستند. به همین جهت برای ارتقای مدل زیستی اجتماعی لینهان باید مفهوم واسطه‌ای دیگری قبل از نارسانظم‌جویی هیجانی وجود داشته باشد تا بتواند مسیر آزار کودکی، آسیب‌پذیری هیجانی به اختلال شخصیت مرزی را با واریانس بیشتری تبیین کند.

وستفال و دیگران (۲۰۱۶) به‌عنوان حلقهٔ واسطه آسیب‌پذیری هیجانی و آزار کودکی با اختلال شخصیت مرزی مفهوم بی‌اعتبارسازی هیجانی را در نظر گرفتند. بی‌اعتبارسازی هیجانی به‌عنوان یکی از طرح‌واره‌های هیجانی<sup>۱</sup> مورد تأیید در اختلال شخصیت مرزی است (لپهی و دیگران، ۲۰۱۲). مدل طرح‌واره هیجانی یک مدل شناختی از بروز هیجان در خود و دیگران است. در این مدل، طرح‌واره‌ها ارائه‌کنندهٔ تفسیر، ارزیابی، انتساب و سایر بررسی‌های شناختی از هیجان است و راهبردهای نظم‌جویی هیجان نیز ممکن است کارآمد یا ناکارآمد باشد. طرح‌واره‌های هیجانی با طیف وسیعی از اختلال‌ها مانند اضطراب، افسردگی، نگرانی مزمن، وابستگی به مواد، اختلال در روابط و اختلال‌های شخصیت نقش دارد. مدل طرح‌واره هیجانی پیشنهاد می‌کند که وقتی یک هیجان برانگیخته یا استنباط می‌شود تفسیرها، واکنش‌ها و راهبردهای مقابله‌ای یا نظم‌جویی هیجان مشخص خواهند کرد که آیا هیجان باقی می‌ماند، از بین می‌رود یا کاهش می‌یابد. اگر هیجان‌ها به شکلی نادرست ابراز شوند، در بافتی نامناسب روی دهند، شدید یا مداوم باشند می‌توانند مشکل‌ساز باشند (فرچمند و فولادچنگ، ۲۰۱۶) این دقیقاً مشکلی است که بیماران مبتلا به اختلال شخصیت مرزی با آن درگیر هستند و تفسیرها و ارزیابی‌ها و راهبردهایی به کار می‌گیرند که هیجان را افزایش و تشدید می‌کند (لپهی، ۲۰۱۵). طرح‌واره‌های هیجانی به‌طور کلی به دو دستهٔ

می‌توان این احتمال را مطرح کرد که متغیرهای دیگری در رابطهٔ بین آزار کودکی و آسیب‌پذیری هیجانی یا نشانه‌های شخصیت مرزی نقش میانجی را بازی می‌کنند. پژوهش‌های جدید به‌جای روابط خطی بیشتر بر مکانیزم‌های واسطه‌ای تأکید می‌کنند. مدل‌های واسطه‌ای از لحاظ تمرکز بر مفهوم مورد نظر مثل شناخت، دلبستگی، هیجان، آسیب و بافت اجتماعی متفاوت هستند؛ با این حال همهٔ آن‌ها عوامل خطر روانی اجتماعی را پذیرفته‌اند (لینهان، ۱۹۹۳). مدل زیستی اجتماعی نیز مفهوم نارسانظم‌جویی هیجانی را به‌عنوان حلقهٔ واسطه در نظر گرفته است که در پژوهش‌های مختلفی به نقش آن پرداخته شده است (پورشهریار، ۲۰۱۸؛ کاپ دیدر و دیگران، ۲۰۲۱؛ گیل و واربورتن، ۲۰۱۴، ۲۰۱۸). در نظریهٔ زیستی اجتماعی لینهان نارسانظم‌جویی هیجانی به‌عنوان ویژگی اصلی و محوری در اختلال شخصیت مرزی در نظر گرفته شده است. تنظیم هیجان فرایندی است که افراد از طریق آن واکنش به موقعیت‌های هیجانی را تغییر می‌دهند (حسنی، ۲۰۱۶). لینهان در مفهوم‌سازی خود از اختلال شخصیت مرزی آن را نارسانظم‌جویی هیجانی فراگیری می‌داند که از تعامل آسیب‌پذیری هیجانی و محیط بی‌اعتبارساز نشأت می‌گیرد. محیط بی‌اعتبارساز نمی‌تواند مهارت‌های لازم برای تنظیم هیجان‌های شدید را آموزش دهد. بدین ترتیب فردی که از نظر هیجانی آسیب‌پذیر است ممکن است به راهبردهای غیرمنطقی نظم‌جویی هیجانی مانند بریدن اعضای بدن خود، پرخوری، مصرف مواد و الکل برای گریز از هیجان یا کاهش آن استفاده کند (لپهی، تیرچو و ناپولیتانو، ۲۰۱۱). با این وجود پژوهش‌های گیل و واربورتن (۲۰۱۸) نشان داده است که نارسانظم‌جویی هیجانی نمی‌تواند متغیر واسطه‌ای در مدل زیستی اجتماعی لینهان باشد چراکه بیماری وجود دارند که آزار کودکی و آسیب‌پذیری هیجانی را تجربه کرده‌اند اما دچار اختلال شخصیت مرزی نشده‌اند و از سوی

طرح‌واره‌های هیجانی سازشی<sup>۱</sup> (قابل درک بودن<sup>۲</sup>، تأیید<sup>۳</sup>، مهار پذیری<sup>۴</sup>، ارزش‌های والا<sup>۵</sup>، توافق عمومی<sup>۶</sup>، پذیرش هیجان‌ها<sup>۷</sup> و ابراز<sup>۸</sup>) و طرح‌واره‌های هیجانی غیرسازشی<sup>۹</sup> (گناه<sup>۱۰</sup>، کرحتی<sup>۱۱</sup>، منطقی بودن<sup>۱۲</sup>، تداوم<sup>۱۳</sup>، دیدگاه ساده‌انگارانه<sup>۱۴</sup>، نش‌خوار ذهنی<sup>۱۵</sup>، سرزنش<sup>۱۶</sup>) تقسیم می‌شوند (باتماز، کایماک، کوییک و تروکچاچار، ۲۰۱۴). طبق مدل طرح‌واره‌های هیجانی (لیهی، ۲۰۰۲، ۲۰۰۷) افراد دیدگاه‌های مختلفی درباره‌ی هیجان‌های خود دارند (طرح‌واره‌های هیجانی). طرح‌واره‌های هیجانی سازشی آن دسته از طرح‌واره‌هایی هستند که منجر به تعبیر و تفسیر مثبت تجارب هیجانی می‌شود اما طرح‌واره‌های هیجانی غیرسازشی طرح‌واره‌هایی هستند که باعث تفسیر و ارزیابی منفی از هیجان‌ها می‌شوند. بنابراین طبق نظریه‌ی لیهی وقتی افراد دچار هیجان می‌شوند طرح‌واره‌های هیجانی زیربنایی آن‌ها چه سازشی و چه غیرسازشی فعال می‌شود (تریج و دیگران، ۲۰۱۲). بعضی از طرح‌واره‌های هیجانی غیرسازشی قدرت پیش‌بینی‌کننده‌ی بیشتری برای برخی از اختلال‌های خاص دارند. برای مثال، گناه یا شرم، نش‌خوار ذهنی، مهار و تأیید بهترین پیش‌بین‌های افسردگی در پرسشنامه‌ی افسردگی بک (لیهی، تریج و ملونی، ۲۰۱۲) و مهارناپذیری و تداوم هیجان‌ها بهترین پیش‌بین‌های اضطراب هستند (تریج و دیگران، ۲۰۱۲). طرح‌واره‌های هیجانی غیرسازشی به تفسیر و ارزیابی منفی از هیجان‌ها می‌انجامد و می‌توان گفت ارزیابی منفی از هیجان در واقع نوعی شکل‌گیری باور منفی نسبت به هیجان است. کمالی، غرابی و بیرشک

(۲۰۱۳) و ولز (۱۹۹۵) نیز در پژوهش خود بیان کردند که طرح‌واره‌های هیجانی در قالب باورهای فراشناختی افراد نسبت به آن هیجان بروز می‌کند. همچنین لیهی (۲۰۰۲ و ۲۰۱۰) نیز اذعان داشته که طرح‌واره‌های هیجانی منعکس‌کننده‌ی شیوه‌هایی هستند که افراد هیجان‌های خود را تجربه کرده و باوری است که منجر به برانگیخته‌شدن هیجان‌ها در ذهن می‌شوند. یانگ (۲۰۰۳) عدم رضای نیازهای هیجانی در دوران کودکی و تجارب غیرسازشی اولیه در تعامل با خلق و خوی کودک را مهم‌ترین عامل گسترش طرح‌واره می‌داند. همچنین فرخ‌ادیان، رضایی و صادقی (۲۰۱۹) نشان داده‌اند که طرح‌واره‌های هیجانی غیرسازشی به‌طور معنادار رابطه‌ی بین آزار کودکی و اختلال اضطراب فراگیر را میانجی‌گری می‌کند اما طرح‌واره‌های هیجانی سازشی نقش میانجی ندارند. اختلال شخصیت مرزی به دلیل گستردگی و شیوع بیشتر در بین سایر اختلال‌های شخصیت هزینه‌های درمانی و حتی قضایی گسترده‌تری را برای جامعه ایجاد می‌کند و سلامت روانی جامعه و خانواده خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین ضروری است تا علل زیربنایی ایجاد و تداوم آن و روابط مستقیم و غیرمستقیم آن شناسایی شود و به دنبال آن روش‌های درمانی مؤثر و جدید ایجاد شود. هدف این پژوهش تعیین رابطه‌ی بین آزار کودکی و آسیب‌پذیری هیجانی با نشانه‌های شخصیت مرزی با واسطه‌گری طرح‌واره‌های هیجانی است. در این راستا مدل مفهومی پژوهش تدوین شده است (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

- 1 - adaptive emotional schema
- 2 - comprehensibility
- 3 - validation
- 4 - controllability
- 5 - higher values
- 6 - consensus
- 7 - acceptance of feelings
- 8 - expression

- 9 - maladaptive emotional schema
- 10 - guilt
- 11 - numbness
- 12 - need to be rational
- 13 - duration
- 14 - simplistic view of emotion
- 15 - rumination
- 16 - blame

## روش

اعتبار بازآزمایی بعد از ۳ ماه برای کل پرسشنامه ۰/۶۹ گزارش شده است (گراس و جان، ۲۰۰۳). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی این پرسشنامه توسط حسنی (۲۰۱۶) بر روی ۵۴۰ نفر در دامنه سنی ۱۸-۳۶ سال بررسی شده است. ضریب همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس سرکوبی ۰/۸۵ و برای زیرمقیاس ارزیابی مجدد ۰/۸۷ و به‌طور کلی ۰/۸۹ و اعتبار بازآزمایی نیز برای زیرمقیاس سرکوبی ۰/۶۸، ارزیابی مجدد ۰/۷۱ و برای کل می‌باشد ۰/۶۹. گزارش شده است، هم‌چنین برای تعیین روایی نسخه فارسی از روایی همگرا استفاده شد که نتایج همبستگی زیرمقیاس ارزیابی مجدد با عاطفه مثبت، عاطفه منفی، افسردگی و اضطراب به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۵۸، ۰/۶۲ و ۰/۴۷- و همبستگی سرکوبی با ارزیابی مجدد، عاطفه مثبت، عاطفه منفی، افسردگی و اضطراب نیز به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۰۶، ۰/۳۶ و ۰/۴۲- به دست آمد. در این پژوهش نیز آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۸۳ و برای زیرمقیاس سرکوبی ۰/۷۹ و ارزیابی مجدد ۰/۸۳ و روایی این پرسشنامه با استفاده از همبستگی با پرسشنامه اختلال شخصیت مرزی<sup>۵</sup> (کلاریچ و بروکز، ۲۰۰۱) برای کل پرسشنامه ۰/۵۴، برای زیرمقیاس سرکوبی ۰/۵۸ و زیرمقیاس ارزیابی مجدد ۰/۵۳- به دست آمده است.

مقیاس آسیب‌پذیری هیجانی کودک<sup>۶</sup>

(سائر و بائر، ۲۰۰۹). این مقیاس با اصلاح ماده‌های سنج شدت عاطفه<sup>۷</sup> طراحی شده است. سائر و بائر (۲۰۰۹) ماده‌های این مقیاس را بازنویسی کردند تا تمایلات کودک فرد را نسبت به وضعیت جاری وی منعکس کند. برای افزایش همسانی درونی و گسترش دامنه هیجانی‌های مطرح‌شده چند ماده مشابه مانند «در کودکی، زمانی که عصبانی می‌شدم عصبانیتم بسیار شدید بود» را افزودند. ماده‌های مرتبط با بازگشت آرام به خط پایه هیجانی در نظریه لینهان در میحث آسیب‌پذیری هیجانی نیز افزوده شدند. برای مثال «هوتی که ناراحت می‌شدم برای مدت زیادی در حالت ناراحتی می‌ماندم». پس از

این پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی است و از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری<sup>۱</sup> استفاده کرده است. جامعه آماری مردم شهرستان خوی است که نمونه به‌طور گلوله‌برفی از طریق فضای مجازی انتخاب شده است. برای تعیین حجم نمونه در معادلات ساختاری دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. هومن (۲۰۰۲) حجم نمونه ۳۰۰ نفری را خوب، ۵۰۰ نفری را خیلی خوب و ۱۰۰۰ نفر را عالی دانسته است. در پژوهش حاضر که با در نظر گرفتن احتمال ریزش حجم نمونه ۴۸۰ نفر انتخاب شدند ملاک‌های ورود شامل دامنه سنی بین ۱۸-۳۵، حداقل سطح سواد دبیرم و آشنایی با کار در فضای مجازی در حد مقدماتی برای تکمیل پرسشنامه‌ها و ملاک‌های خروج هم شامل مصرف مواد مخدر و الکل است. برای انجام پژوهش ابتدا سوالات در بستر گوگل فرم طراحی شده و سپس به ۴۰ نفر از افراد در دسترس از افراد ساکن در مناطق مختلف شهری با تحصیلات مختلف دارای معیارهای ورود ارسال شد، به طوری که سطح شهر به ۵ منطقه تقسیم شده و از هر منطقه به ۸ نفر ارسال شده و سپس از آن‌ها خواسته شد هر کدام به ۱۵ نفر دیگر از افراد ساکن منطقه خود ارسال کنند تا نمونه به‌دست‌آمده هدفمند نباشد. از ۴۶۲ نفر نمونه به دست آمده ۲۹۶ نفر زن و ۱۶۶ نفر مرد در دامنه سنی ۱۸-۳۵ سال بودند و از این تعداد ۱۵۷ نفر دبیرم، ۲۲۸ نفر لیسانس و ۷۷ نفر هم بالاتر از لیسانس بودند.

پرسشنامه نظم‌جویی هیجان<sup>۸</sup> (گراس و

جان، ۲۰۰۳). این پرسشنامه ۱۰ ماده و دو زیرمقیاس دارد که ۶ ماده آن مربوط به زیرمقیاس ارزیابی مجدد<sup>۳</sup> و ۴ ماده آن مربوط به سرکوبی<sup>۴</sup> است. پاسخ‌دهی به آن بر اساس مقیاس لیکرت هفت‌درجه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۷) است. بررسی همسانی درونی این پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس ارزیابی مجدد ۰/۷۹ و برای سرکوبی ۰/۷۳ و

1 - structural equation modeling  
2 - Emotion Regulation Questionnaire  
3 - re-evaluation  
4 - suppression

5 - Schizotypal Trait Questionnaire-b Form  
6 - Emotional Vulnerability Child Scale  
7 - Affect Intensity Measure

بازنویسی تعداد ماده‌های مقیاس جدید به ۲۲ ماده رسید. برای پاسخگویی آزمودنی از یک مقیاس ۶ لیکرتی استفاده می‌کند که نمره ۱ نشان‌دهنده هرگز و نمره ۶ نمایانگر همیشه است. سائو و بائر همسانی درونی این مقیاس را ۰/۹۲ و میانگین همبستگی ماده‌ها با نمره کلی را ۰/۵۹ با دامنه ۰/۲۳ تا ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند. همچنین این مؤلفان دریافتند این مقیاس همبستگی معناداری ( $T=0/54$ ) با علائم اختلال شخصیت مرزی خودگزارش‌دهی دارد. در این پژوهش نیز آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۹۲ و همبستگی با پرسشنامه اختلال شخصیت مرزی ۰/۴۸ به دست آمده است.

### مقیاس خودگزارش‌دهی کودک‌آزاری<sup>۱</sup>

(محمدخانی، محمدی، نظری و صلواتی، ۲۰۰۳). این مقیاس با ۳۸ ماده آزار جسمانی<sup>۲</sup> (۸ ماده)، آزار جنسی<sup>۳</sup> (۵ ماده) آزار عاطفی<sup>۴</sup> (۱۴ ماده) بی‌توجهی و غفلت<sup>۵</sup> (۱۱ ماده) به کودک را ارزیابی می‌کند. ماده‌های این مقیاس بر اساس درجه‌بندی لیکرتی در مقیاس ۴ گزینه‌ای است. این مقیاس چهار زیرمقیاس آزار جسمانی، جنسی، هیجانی و غفلت را می‌سنجد و در پایان نیز ۴ نمره به‌دست می‌دهد. محمدخانی و دیگران (۲۰۰۳) ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس را ۰/۹۲ به دست آورده‌اند که نشان‌دهنده ضریب همسانی درونی بالای این مقیاس است. ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های آن از ۰/۷۹ تا ۰/۸۹ متغیر است. همبستگی زیرمقیاس هیجانی، غفلت، جسمانی و جنسی با مقیاس افسردگی یک به ترتیب ۰/۶۳، ۰/۳۶، ۰/۴۸ و ۰/۳۲ و با مقیاس اضطراب به ترتیب ۰/۴۹، ۰/۲۲، ۰/۳۷ و ۰/۲۹ است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۸۹ و برای زیرمقیاس‌های مختلف از ۰/۸۰ تا ۰/۹۲ و ضریب همبستگی زیرمقیاس‌ها با نارسانظم جویی هیجانی به ترتیب برای آزار جسمانی، جنسی، هیجانی و غفلت برابر با ۰/۵۳، ۰/۴۸، ۰/۴۵ و ۰/۴۱ به دست آمده است.

### مقیاس طرح‌واره‌های هیجانی لیهی<sup>۶</sup>

(۲۰۱۱). این مقیاس برای تعیین باورها و باخورد‌های افراد نسبت به هیجان تهیه شده است. مقیاس طرح‌واره هیجانی خود برای سنجش ۱۴ طرح‌واره تدوین شده است که شامل تأییدجویی، قابل‌درک بودن، احساس گناه و شرم، دیدگاه ساده‌انگارانه درباره هیجان‌ها، ارزش‌های بالاتر، مهار، تلاش برای منطقی بودن، طول دوره، توافق، پذیرش هیجان‌ها، نشخوار ذهنی، ابزار هیجان‌ها و سرزنش است (لیهی، ۲۰۱۲). این مقیاس ۵۰ ماده‌ای با استفاده از یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (صفر) تا کاملاً موافقم (چهار) نمره‌گذاری می‌شود (لیهی، ۲۰۰۲). لیهی (۲۰۱۱) همسانی درونی این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ گزارش کرده است. باتماز و دیگران (۲۰۱۵) طرح‌واره‌های هیجانی را به دو دسته طرح‌واره مثبت یا سازشی (تأیید، ابزار هیجانی، پذیرش، توافق، ارزش‌های بالا، قابل‌درک بودن و مهارپذیری) و طرح‌واره منفی یا غیرسازشی (نشخوار ذهنی، مدت، سرزنش، منطقی‌سازی بیش‌ازحد، دیدگاه ساده‌انگارانه به هیجان، کرختی و گناه) تقسیم کرده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ نسخه فارسی ۰/۸۱ و اعتبار‌بازآزمایی آن با فاصله دوهفته ۰/۷۸ و همبستگی آن با مقیاس افسردگی بک ۰/۳۸ گزارش شده است (خانزاده و دیگران، ۲۰۱۳). در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۸۸ و همبستگی آن با پرسشنامه شخصیت مرزی ۰/۵۴ به دست آمده است.

### پرسشنامه شخصیت مرزی (کلاریج و بروکز،

۲۰۰۱). این پرسشنامه بر اساس نسخه سوم ملاک‌های راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی<sup>۷</sup> ساخته شده و در سال ۲۰۰۱ مورد بررسی مجدد قرار گرفته است (کلاریج و بروکز، ۲۰۰۱). این ابزار الگوهای رفتاری بی‌ثبات بین فردی از قبیل دوسوگرایی<sup>۸</sup> و مشکلات مهار هیجانی را دربرمی‌گیرد و ویژگی‌های مرزی را در افراد بهنجار و بر اساس مدل پیوستاری ویژگی‌های

1 - Child Abuse Self Report Scale  
2 - physical  
3 - sexual  
4 - emotional

3 - neglect  
6 - Leahy Emotional Schema Scale  
7 - Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders III  
8 - ambivalence

برانگیختگی<sup>۲</sup> با ۷ ماده و عامل علائم گسست و پارانوئیدی وابسته به تنیدگی<sup>۳</sup> با ۶ ماده آن در برمی گیرد. ضریب همسانی درونی با آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۷ و برای زیرمقیاس‌های ناامیدی ۰/۶۴، برانگیختگی ۰/۵۸ و علائم گسست و پارانوئیدی وابسته به تنیدگی ۰/۵۷ بود (محمدزاده و دیگران، ۱۳۸۴). روایی هم‌زمان این پرسشنامه با استفاده از پرسشنامه شخصی آیزنک<sup>۴</sup> (EPQ-R) نشان داده که همبستگی پرسشنامه شخصیت مرزی با مقیاس رولن آزدگی و رولن گسستگی به ترتیب ۰/۶۴ و ۰/۶۹ است، درحالی که با مقیاس‌های برون‌گردی و دروغ‌پردازی رابطه معنادار ندارد. در این پژوهش نیز ضرایب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۸۶ و برای زیرمقیاس ناامیدی ۰/۸۳ و برانگیختگی ۰/۸۸ و علائم گسست و پارانوئیدی ۰/۷۸ به‌دست آمده است. برای تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر استفاده شده است.

#### یافته‌ها

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای مورد مطالعه را نمایش می‌دهد.

روانی می‌سنجد. محمدزاده و دیگران (۲۰۰۵) این پرسشنامه را با ملاک‌های نسخه تجدیدنظر شده راهنمای تشخیصی و آماری اختلال روانی نسخه چهارم انطباق داده و ویژگی‌های روان‌سنجی آن را در جامعه ایرانی بررسی کرده‌اند و نتایج مطلوبی به دست آوردند. این پرسشنامه شامل ۱۸ ماده است که به‌صورت بلی/خیر پاسخ داده می‌شود. جواب بلی نمره ۱ و جواب خیر نمره ۰ می‌گیرد. هنگام تطبیق پرسشنامه با ملاک‌های DSM-IV-TR از متون روان‌شناسی مرضی ۶ ماده دیگر به آن اضافه شد تا تعریف DSM-IV-TR از اختلال شخصیت مرزی را پوشش دهد. بنابراین پرسشنامه فوق ۲۴ ماده‌ای است که ماده‌های ۱۹ تا ۲۴ بدان اضافه شده است. جکسون و کالریج (۲۰۰۱) ضریب اعتبار بازآزمایی را ۰/۶۱ و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ را برای این پرسشنامه گزارش کرده‌اند. در تحلیل عاملی نسخه ایرانی این پرسشنامه ۴ ماده حذف شد و ۲۰ ماده پرسشنامه نهایی را تشکیل داده است. این پرسشنامه سه عامل ناامیدی<sup>۱</sup> با ۷ ماده، عامل

#### جدول ۱

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	SD	M	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. ناامیدی	۱/۶۳	۰/۰۸	-										
۲. برانگیختگی	۲/۰۱	۰/۰۸	۰/۵۵**	-									
۳. گسست و پارانوئید	۰/۷۶	۰/۰۵	۰/۲۸**	۰/۵۲**	-								
۴. طرح‌واره‌های سازشی	۵۷/۵۹	۱/۴۸	۰/۵۶**	۰/۵۳**	۰/۴۳**	-							
۵. طرح‌واره‌های غیرسازشی	۴۷/۳۷	۱/۲۵	۰/۵۴**	۰/۵۱**	۰/۳۳**	۰/۵۹**	-						
۶. سرکوبی	۱۲/۹۴	۰/۲۵	۰/۵۵**	۰/۵۶**	۰/۳۹**	۰/۶۲**	۰/۵۶**	-					
۷. ارزیابی مجدد	۲۸/۹۹	۰/۲۹	۰/۵۴**	۰/۵۳**	۰/۳۹**	۰/۵۸**	۰/۴۸**	۰/۶۴**	-				
۸. آسیب پذیری هیجانی	۶۷/۲۵	۳/۲۹	۰/۴۴**	۰/۴۷**	۰/۳۵**	۰/۵۰**	۰/۵۹**	۰/۴۳**	۰/۴۵**	-			
۹. آزار جنسی	۷/۲۵	۰/۹۲	۰/۲۳**	۰/۲۵**	۰/۲۴**	۰/۲۴**	۰/۲۴**	۰/۲۴**	۰/۱۶**	۰/۱۷**	-		
۱۰. آزار جسمانی	۶/۵۹	۰/۰۷	۰/۲۶**	۰/۳۶**	۰/۳۳**	۰/۳۵**	۰/۲۹**	۰/۲۸**	۰/۲۳**	۰/۲۳**	۰/۵۴**	-	
۱۱. آزار هیجانی	۱۱/۷۲	۱/۶۹	۰/۲۷**	۰/۳۶**	۰/۲۶**	۰/۳۶**	۰/۲۷**	۰/۲۷**	۰/۳۰**	۰/۳۷**	۰/۳۷**	۰/۶۸**	-
۱۲. غفلت	۲۰/۸۸	۱/۲۳	۰/۲۹**	۰/۲۷**	۰/۲۰**	۰/۳۷**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۲۵**	۰/۲۶**	۰/۲۹**	۰/۴۹**	۰/۶۲**

\*\*P < ۰/۰۱

\*P < ۰/۰۵

1 - hopelessness

2 - impulsivity

3 - stress-related paranoid and ruptured symptoms

4 - Eysenck Personality Questionnaire

همان‌طور که در جدول ۱ آمده است بین تمام متغیرها همبستگی معناداری وجود دارد. با توجه به ضرایب همبستگی بدست‌آمده هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین وجود ندارد چون همبستگی‌های بالای ۰/۸۵ در تخمین صحیح مدل مشکل ایجاد می‌کنند از آنجایی که ضرایب همبستگی پژوهش حاضر کمتر از ۰/۸۵ است، این مفروضه رعایت می‌شود سپس ارتباط بین متغیرهای مشهود و مکنون پژوهش در مدل بررسی شد. به این منظور ابتدا

شخص‌های برآزش مدل حاضر محاسبه‌شده است. در این پژوهش برای برآورد مدل از شاخص‌های مجذور‌خطی، شاخص مجذور‌خطی بر درجه آزادی، شاخص برآزندگی، ریشه دوم واریانس خطای تقریباً، شاخص برآزندگی تطبیقی<sup>۲</sup>، شاخص توکر-لوئیس<sup>۳</sup> و برآزندگی تطبیقی بنتلر-بانت<sup>۴</sup> استفاده شده است. همان‌گونه که در جدول ۲ آمده است، شاخص‌های برآزش نشان‌دهنده برآزش مناسب مدل هستند.

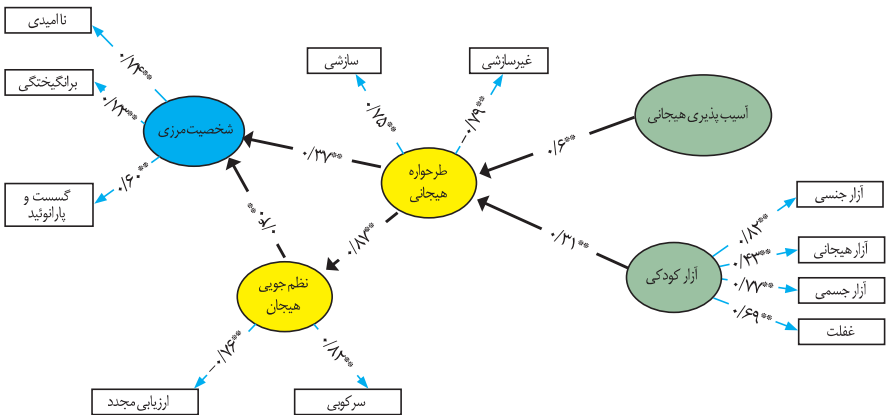
## جدول ۲

### شاخص‌های برآزش مدل

شاخص برآزش	$\chi^2/df$	RMSEA	GFI	AGFI	NFI	CFI	RFI
مقدار مجاز	کمتر از ۳	کمتر از ۰/۱	بیشتر از ۰/۹	بیشتر از ۰/۹	بیشتر از ۰/۹	بیشتر از ۰/۹	بیشتر از ۰/۹
مقدار به‌دست‌آمده	۳/۸۳	۰/۰۸	۰/۹۲	۰/۹۰	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۹۰

با توجه به اینکه شاخص‌های برآزش در مدل موردنظر بعد از اصلاح برآزش خوبی دارد، می‌توان مدل مدنظر را مدل مطلوبی برای برآزش داده‌ها در نظر گرفت و بر

اساس آن روابط بین متغیرها را تحلیل کرد. شکل ۲ مدل نهایی و اصلاح‌شده پژوهش را به همراه ضرایب مسیر آن را نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش

1 - Goodness of Fit Index

2 - Root Mean Squared Error of Approximation

3 - Comparative Fit Index

4 - Tucker-Lewis Index

5 - Bentler-Bonett Normed Fit Index



رفتار عادی تلقی شود (ایوانیچ، ۲۰۰۶) هم‌چنین حذف شدن مسیرهای مستقیم بین آزار کودکی و آسیب‌پذیری هیجانی با نشانه‌های شخصیت مرزی به معنای پیش‌بینی نشدن نشانه‌های شخصیت مرزی توسط آزار کودکی و آسیب‌پذیری هیجانی نیست، بلکه به این دلیل است که مسیرهای غیرمستقیم قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بیشتری نسبت به مسیرهای مستقیم دارند. در مدل نهایی به خاطر حفاظت اصل امساک و اقتصاد مدل مسیرهای کم‌اثرتر مانند مسیرهای مستقیم آزار کودکی و آسیب‌پذیری به نشانه‌های شخصیت مرزی حذف شدند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که طرح‌واره‌های هیجانی در رابطه بین آزار کودکی و آسیب‌پذیری هیجانی با نشانه‌های شخصیت مرزی نقش واسطه‌ای وجود دارد و طرح‌واره‌های هیجانی و نظم‌جویی هیجانی می‌توانند سهم زیادی از نشانه‌های شخصیت مرزی را تبیین کنند. از سوی دیگر در پژوهش‌های مختلف ۲۰ تا ۵۰ درصد افرادی که دارای تجربه آزار کودکی هستند به اختلال شخصیت مرزی مبتلا شده‌اند (لیب و دیگران، ۲۰۰۴) و ۳۰ تا ۶۰ درصد بیماران مبتلا به اختلال شخصیت مرزی سابقه آزار کودکی را گزارش داده‌اند (گودمن و بهودا، ۲۰۰۲). به همین دلیل می‌توان برای درک سبب‌شناسی اختلال شخصیت مرزی به نقش مکانیزم‌های واسطه‌ای مانند نظم‌جویی هیجانی و طرح‌واره‌های هیجانی - در رابطه بین آزار کودکی و آسیب‌پذیری هیجانی با نشانه‌های شخصیت مرزی متمرکز شد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که آزار کودکی به‌صورت غیرمستقیم نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی را پیش‌بینی می‌کند که با نتایج پژوهش پورشره‌پار و دیگران (۲۰۱۸)، پورمحمد و دیگران (۲۰۱۹)، علیلو و دیگران (۲۰۱۲)، کراول و دیگران (۲۰۰۹)، کو و دیگران (۲۰۱۵)، گیل و وارپورتن (۲۰۱۴) و (۲۰۱۸)، وستفال و دیگران (۲۰۱۶) و هیرائوکا و دیگران (۲۰۱۶) همخوان است که در آن‌ها نارسانظم‌جویی هیجان حلقه واسطه بین آزار کودکی و نشانه‌های شخصیت مرزی است. برای مثال، در پژوهش وستفال و دیگران (۲۰۱۶)

نتایج ارائه‌شده در مدل ۲ نشان می‌دهد که تنها مسیر آسیب‌پذیری هیجانی به نشانگان شخصیت مرزی معنادار نیست و ضرایب بقیه مسیرها معنادار و ضرایب تعیین متغیرهای درون‌زای مدل نیز در حد قابل قبول هستند. به‌طور کلی، این نتایج نشان می‌دهد که این مدل می‌تواند ۷۴ درصد از نشانه‌های شخصیت مرزی را پیش‌بینی کند. هم‌چنین آزار کودکی و آسیب‌پذیری هیجانی توانایی تبیین ۴۴ درصد از طرح‌واره‌های هیجانی و تبیین ۳۹ درصد از نارسانظم‌جویی هیجانی را دارد. بنابراین برآزش مدل ساختاری پژوهش در حد مطلوب است. نتایج نشان می‌دهد که مسیر مستقیم بین آزار کودکی و آسیب‌پذیری هیجانی با طرح‌واره‌های هیجانی و مسیر مستقیم بین آزار کودکی با نشانه‌های شخصیت معنادار هستند اما مسیر مستقیم آسیب‌پذیری هیجانی با نشانه‌های شخصیت مرزی معنادار نیست. اثر غیرمستقیم آزار کودکی و آسیب‌پذیری هیجانی از طریق طرح‌واره‌های هیجانی بر نشانه‌های شخصیت مرزی معنادار است. هم‌چنین اثر غیرمستقیم آزار کودکی و نشانه‌های شخصیت مرزی به‌واسطه طرح‌واره‌های هیجانی و نظم‌جویی هیجانی نیز معنادار است.

## بحث

نتایج این پژوهش نقش واسطه‌ای نارسانظم‌جویی هیجانی و طرح‌واره‌های هیجانی در رابطه بین آزار کودکی و آسیب‌پذیری هیجانی با اختلال شخصیت مرزی را تأیید کرد. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که آسیب‌پذیری هیجانی و آزار کودکی به‌طور مستقیم در پیش‌بینی‌های شخصیت مرزی نقش ندارد. این یافته‌ها با پژوهش‌های کوو دیگران (۲۰۱۵)، گیل و وارپورتن (۲۰۱۴) و (۲۰۱۸) و وستبروک و برنیام (۲۰۱۷) ناهمخوان است. با توجه به اینکه در این پژوهش از ابزار گذشته‌نگر استفاده شده است، این ناهمخوانی می‌تواند ناشی از ابزار پژوهش باشد. هم‌چنین می‌توان به تفاوت‌های فرهنگی در جوامع تحت پژوهش اشاره کرد، چون انواع آزار مانند آزار هیجانی و غفلت عمیقاً ریشه در فرهنگ دارد و تفاوت‌های فرهنگی در آن دخیل است. رفتاری که در فرهنگی نمونه آزار هیجانی است، در فرهنگ دیگر ممکن است

طرح‌واره هیجانی اعتباربخشی به‌عنوان میانجی بین آزار کودکی و نشانه‌های شخصیت مرزی نقش داشت. در آزار کودکی از آنجایی که فرد باید هیجان‌های منفی خود را به‌طور مکرر مدیریت کند، ظرفیت وی برای تنظیم مؤثر هیجان‌هایش به‌شدت کاهش پیدا می‌کند و فرد این هیجان‌ها را نادیده انگاشته و سعی در سرکوب آن‌ها دارد و هرازگاهی در صورت بروز هیجان‌ها با تنبیه روبرو می‌شوند. در نتیجه توانایی کودک برای شناسایی، ابراز، توصیف و ارزیابی هیجان‌های خود کاهش می‌یابد و منجر به پریشانی می‌شوند. برخی نظریه‌پردازان معتقدند آزار کودکی ممکن است با ایجاد تداخل در رشد توانایی‌های خودنظم‌جویی موجب شکل‌گیری اختلال شخصیت مرزی می‌شود. از سوی دیگر تجارب آسیب‌زا، شکل‌گیری توانایی‌های شناختی و برجسبزی هیجانی را به‌شدت به‌تویق می‌اندازد و روند طبیعی کسب این مهارت‌ها را مختل می‌سازد. توانایی تشخیص و توصیف هیجان ابزاری ضروری برای پردازش تجارب هیجانی و منسجم‌سازی و تلفیق این تجارب به زندگی روزمره به حساب می‌آید؛ ابزاری که پرورش آن با آزار کودکی بازاری می‌شود. در واقع، وقتی کودک در معرض آسیب قرار می‌گیرد، ممکن است از توانایی مناسب تنظیم هیجان را نداشته باشد. برای مثال ممکن است این افراد چهره‌های مبهم را بیشتر به‌عنوان عصبانیت تشخیص دهند (مک لیم، ۲۰۰۷).

مدل تعاملی فروزتی و دیگران (۲۰۰۵) نقل از گائو و دیگران، (۲۰۱۰) درباره شکل‌گیری اختلال شخصیت مرزی نشان می‌دهد که عدم تأیید تجارب کودک باعث افزایش حساسیت هیجانی می‌شود. چرا که کودک یاد می‌گیرد که نسبت به موقعیت‌هایی که موجب هیجان منفی می‌شوند، گوش به‌زنگ باشند. برای مثال، ممکن است کودکی که تمایل به درگیر شدن در فعالیت جدید دارد و والدین با گفتن اینکه فعالیت جدید مضحک است، او را تأیید نکنند، درحالی که کودک از انجام آن لذت می‌برد و شادی کودک با هیجان خشم والدین مواجه شود، ارزیابی کودک

از بازی و موقعیت را تغییر می‌دهد و این نوع آزارها و رفتارها با پرورش طرح‌واره‌هایی درباره هیجان موجب تولید یا تشدید آشفتگی می‌شوند؛ بعد از مدتی این آشفتگی و ناراحتی غیرقابل مهار می‌شود و به دلیل وجود این باورها و طرح‌واره‌های هیجانی راهبردهای مؤثر نظم‌جویی هیجانی شکل نمی‌گیرد و آزار کودکی در تعامل با محیط آسیب‌پذیر موجب شکل‌گیری طرح‌واره‌های هیجانی در کودکی شده و این طرح‌واره‌های هیجانی موجب تشدید آشفتگی و ناراحتی و شکل‌گیری نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی می‌شود. طبق پژوهش‌های لیهی (۲۰۰۷، ۲۰۱۰) طرح‌واره‌های هیجانی غیربازشی با طیف گسترده‌ای از اختلال‌ها مانند افسردگی، اضطراب، سوءمصرف مواد و اختلالات شخصیت همبستگی دارد. براساس مدل طرح‌واره‌های هیجانی، هنگامی که هیجانی برانگیخته یا فراخوانده می‌شود تفسیرها، واکنش‌ها و راهبردهای نظم‌جویی هیجان تعیین خواهد کرد که آیا این هیجان تداوم باید یا نه. وقتی کودکی تحت آزار یا غفلت قرار می‌گیرد، دید و نگاه فرد به زندگی و هیجان تغییر کرده و باورها و طرح‌واره‌های خاصی به هیجان منفی در وی شکل می‌گیرد. برای مثال، افراد با اختلال شخصیت مرزی باور دارند که هیجان‌هایشان غیرقابل مهار است و به مدت طولانی تداوم دارد. این نوع باورها و طرح‌واره‌ها مانند مهارناپذیری و تداوم به‌احتمال زیاد باعث ترس از هیجان و اجتناب هیجانی می‌شود (گراتز و دیگران، ۲۰۰۷؛ یین و دیگران، ۲۰۰۲). بیماران مبتلا به شخصیت مرزی بر این باورند که هیجان‌های آن‌ها قابل درک نیست، نشخوار ذهنی دارند، تأیید کمتری می‌گیرند، احساس کرختی می‌کنند، سایرین را به خاطر هیجان‌هایشان سرزنش می‌کنند، هیجان‌هایشان قابل مهار نیستند و در ارتباط با ارزش‌های خود قرار ندارند (لیهی، ۲۰۱۵). این افراد به جای حمایت از خود، به سرزنش کردن و حمله به خود پرداخته و پذیرش گرم و نامشروط را به خود نشان نمی‌دهند. کسانی که در دوران کودکی مورد آزار قرار گرفته‌اند در بزرگسالی نسبت به نقص‌های

کرده یا نه یا اینکه خود فرد پرسشنامه را تکمیل کرده وجود ندارد. محدودیت دیگر پژوهش اجرای آن بر روی نمونه ترک زبان است که در پژوهش‌های آتی بهتر است نمونه با استفاده از قومیت‌های مختلف معرفی جامعه در نظر گرفته شود. همچنین در این پژوهش تحلیل عاملی تأییدی انجام نشده است و در پژوهش‌های آتی بهتر است تحلیل عاملی تأییدی نیز برای مدل در نظر گرفته شود. همچنین با توجه به اینکه پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته بود در ابتدا به نقش طرح‌واره‌های هیجانی به‌عنوان نقش واسطه‌ای پرداخته شد. در پژوهش‌های آتی می‌توان از طرح‌واره‌های هیجانی خاص که در معادلات رگرسیون بیشترین واریانس پیش‌بینی نشانه‌های شخصیت مرزی را دارند، استفاده کرد.

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که در این پژوهش ما را یاری کردند نهایت تشکر و قدردانی را از آن‌ها می‌نمایم.

### منابع

- Batmaz, S., & Özdel, K. (2015). Psychometric properties of the Turkish version of the Leahy Emotional Schema Scale-II. *Anatolian Journal of Psychiatry/Anadolu Psikiyatri Dergisi*, 16, 23-30.
- Batmaz, S., Kaymak, S. U., Kocbiyik, S., & Turkcapar, M. H. (2014). Metacognitions and emotional schemas: A new cognitive perspective for the distinction between unipolar and bipolar depression. *Comprehensive Psychiatry*, 55(7), 1546-1555.
- Besharat, M.A., Asadi, M.M., & Tulaian, F. (2015). The mediating role of my strength in the relationship between attachment styles and cognitive emotion regulation strategies. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 12 (46), 107-119. [In Persian].
- Coles, J., Lec, A., Taft, A., Mazza, D., & Loxton, D. (2015). Childhood sexual abuse and its association with adult physical and mental health: Results from a national cohort of young Australian women. *Journal of Interpersonal Violence*, 30(11), 1929-1944.
- Crowell, S. E., Beauchaine, T. P., & Linehan, M. M.

خود انتقادگر هستند و از دست خود عصبانی می‌شوند. وقتی این واقعیت که شکست، درد و رنج در زندگی اجتناب‌ناپذیر است از سوی این افراد انکار می‌شود پریشانی و آشفتگی بیشتر و تحریک‌پذیری افزایش یافته و در مشکلات خود غرق می‌شوند و توانایی خود را برای مدیریت و مقابله با مشکلات از دست داده و این را در نظر نمی‌گیرند که افراد دیگر هم ممکن است به این مشکلات دچار شوند (هیم و نمروف، ۲۰۰۱). به‌طور کلی آزار کودکی و آسیب‌پذیری هیجانی باعث شکل‌گیری باورها و طرح‌واره‌های هیجانی در کودکی شده و این طرح‌واره‌ها نحوه واکنش به رخداد‌های هیجانی آتی را پیش‌بینی می‌کنند و طرح‌واره‌های هیجانی غیرسازشی باعث استفاده از راهبردهای نامناسب نظم‌جویی هیجانی و مشکلات نظم‌جویی هیجانی می‌شود. این نارسا نظم‌جویی هیجانی نیز خودش یکی از نشانه‌های شخصیت مرزی است و افزون بر آن، عامل نگهدارنده مشکلات و نشانه‌های بیمارانی مبتلا به اختلال شخصیت مرزی است (استپ و دیگران، ۲۰۰۴). شواهد مقدماتی نشان می‌دهد که طرح‌واره‌های هیجانی یا باورهای غلط هیجانی سبب استفاده از نظم‌جویی هیجانی سازش‌نا یافته می‌شود. نظم‌جویی هیجانی سازش‌نا یافته در افراد با شخصیت مرزی با رفتارهایی مانند خودزنی، مصرف مشروبات الکلی و طغیان‌های خشم روی می‌دهد که مشکل عمده اصلی بیمارانی مبتلا به اختلال شخصیت مرزی است (کرینگ و دیگران، ۲۰۱۸). به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که طرح‌واره‌های هیجانی به‌عنوان نقش واسطه‌ای می‌توانند هم نارسا نظم‌جویی هیجانی و هم سایر نشانه‌های مرتبط با اختلال شخصیت مرزی را پیش‌بینی کنند و در برنامه‌های درمانی آتی این موضوع برای انجام مداخلات درمانی می‌تواند کمک‌کننده باشد.

از محدودیت‌های این پژوهش انتخاب نمونه مورد بررسی در فضای مجازی بود. اجرای مجازی پرسشنامه امکان صحت‌سنجی درباره اینکه آیا فرد به درستی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی را تکمیل

- Hasani, J. (2016). Persian version of the Emotion Regulation Questionnaire: Factor structure, reliability and validity. *International Journal of Behavioral Sciences*, 10(3), 108-113.
- Heim, C., & Nemeroff, C. B. (2001). The role of childhood trauma in the neurobiology of mood and anxiety disorders: Preclinical and clinical studies. *Biological Psychiatry*, 49(9), 1023-1039.
- Hiraoka, R., Crouch, J. L., Reo, G., Wagner, M. F., Milner, J. S., & Skowronski, J. J. (2016). Borderline personality features and emotion regulation deficits are associated with child physical abuse potential. *Child Abuse & Neglect*, 52, 177-184.
- Hooman, H. A. (2002). *Multivariate data analysis in behavioral research*. Tehran: Parsa Publications. [In Persian].
- Iwaniec, D. (2006). *The emotionally abused and neglected child: Identification, assessment and intervention: A practice handbook*. New York: John Wiley & Sons.
- Jackson, D., Claridge, G., & Freeman, J. L. (2001). Principal components analysis of the Schizotypal Personality Scale (STA) and the Borderline Personality Scale (STB). *Personality and Individual Differences*, 31(3), 409-419.
- Khanzadeh, M., Idrisi, F., Mohammadkhani, S. H., & Saeidian, M. (2013). A study of factor structure and psychometric characteristics of Emotional Schemas Scale on students. *Journal of Clinical Psychology*, 11, 91-119. [In Persian].
- Kline, R. X. (2011). *Principles and practices of structural equation modeling*. New York: Guilford Press.
- Kring, A. M., Johnson, S. L., Davison, G. C., & Neale, J. M. (2018). *Abnormal psychology*. US.: Amazon.
- Kuo, J. R., & Linehan, M. M. (2009). Disentangling Physiological and self-reported assessment of biological vulnerability, baseline intensity, and reactivity to emotionally evocative stimuli. *Journal of Abnormal Psychology*, 118(3), 531-544.
- Kuo, J. R., Khoury, J. E., Metcalfe, R., Fitzpatrick, S., & Goodwill, A. (2015). An examination of the relationship between childhood emotional abuse and borderline personality disorder features: The role of difficulties with emotion regulation. *Child Abuse & Neglect*, 52, 177-184.
- (2009). A biosocial developmental model of borderline personality: Elaborating and extending Linehan's theory. *Psychological Bulletin*, 135(3), 495-517.
- Farahmand, S., & Foadchang, M. (2016). Causal explanation of academic vitality based on family communication patterns: The mediating role of emotional expression. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 13(51), 257-269. [In Persian].
- Farrokhzadian, A., Rezaei, F., & Sadeghi, M. (2019). The mediating role of emotional schemas in the relationship between childhood trauma and generalized anxiety disorder. *Clinical Psychology and Personality*, 17(2), 89-101. [In Persian].
- Fergusson, D. M., McLeod, G. F., & Horwood, L. J. (2013). Childhood sexual abuse and adult developmental outcomes: Findings from a 30-year longitudinal study in New Zealand. *Child Abuse & Neglect*, 37(9), 664-674.
- Gao, Y., Raine, A., Chan, F., Venables, P. H., & Mednick, S. A. (2010). Early maternal and paternal bonding, childhood physical abuse and adult psychopathic personality. *Psychological Medicine*, 40, 1007-1016.
- Gill, D. J., & Warburton, W. A. (2014). An investigation of the biosocial model of borderline personality disorder. *Journal of Clinical Psychology*, 70(9), 866-873.
- Gill, D., Warburton, W., & Sweller, N. (2018). The development of borderline personality disorder: Beyond the biosocial model. *Journal of Evidence-Based Psychotherapies*, 18(2), 55-63.
- Goodman, M., & Yehuda, R. (2002). The relationship between psychological trauma and borderline personality disorder. *Psychiatric Annals*, 32(6), 337-345.
- Gratz, K. L., Bornova, M. A., Delany-Brumsey, A., Nick, B., & Lejuez, C. W. (2007). A laboratory-based study of the relationship between childhood abuse and experiential avoidance among inner-city substance users: The role of emotional nonacceptance. *Behavior Therapy*, 38, 256-268.
- Gross, J. J., & John, O. P. (2003). Individual differences in two emotion regulation processes: implications for affect, relationships, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85(2), 348-354.

- Bahrami. Tehran: Arjmand Publications. [In Persian].
- Merza, K., Papp, G., & Kuritárné Szabó, I. (2015). The role of childhood traumatization in the development of borderline personality disorder in Hungary. *The European Journal of Psychiatry*, 29(2), 105-118.
- Mohammadkhani, P., Mohammadi, M. R., Nazari, M. A., Salavati, M., & Razzaghi, O. M. (2003). Development, validation and reliability of Child Abuse Self Report Scale (CASRS) in Iranian students. *Medical Journal of The Islamic Republic of Iran*, 17(1), 51-58. [In Persian].
- Mohammadzadeh, A., Goodarzi, M., Calendar, A., & Mulazadeh, J. (2005). Investigation of factor structure, validity, reliability and standardization of Borderline Personality Scale (STB) in Shiraz University students. *Quarterly Journal of Mental Health Principles*, 75, 27-28. [In Persian].
- Norman, R. E., Byambaa, M., De, R., Butchart, A., Scott, J., & Vos, T. (2012). The long-term health consequences of child physical abuse, emotional abuse, and neglect: A systematic review and meta-analysis. *PLoS Med*, 9(11), e1001349.
- Pourshahriar, H., Alizade, H., & Rajacinia, K. (2018). Childhood emotional abuse and borderline personality disorder features: The mediating roles of attachment style and emotion regulation. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 24 (2), 148-163. [In Persian].
- Pour Mohammad, P., & Jahangiri, Z. (2019). The role of childhood traumas and attachment styles in predicting borderline personality traits in the nonclinical population. *Journal of New Psychological Research*. Special issue of the first biennial congress of new psychology and behavioral sciences of Tabriz University. [In Persian].
- Reed, L. I., Fitzmaurice, G., & Zanarini, M. C. (2015). The relationship between childhood adversity and dysphoric inner states among borderline patients followed prospectively for 10 years. *Journal of Personality Disorders*, 29(3), 408-417.
- Rostami, M., Abdi, M., & Heydari, H. (2014). The relationship between types of child abuse in childhood with self-compassion and mental health in married people. *Journal of Principles of Mental Health*, 16 (1), 61-73. [In Persian].
- Neglect, 39, 147- 155.
- Laporte, L., & Guttman, H. (2001). Abusive relationships in families of women with borderline personality disorder, anorexia nervosa and a control group. *The Journal of Nervous and mental disease*, 189(8), 522-531.
- Leahy, R. (2018). Emotional schema therapy, *distinctive feature*. New York: Rutledge.
- Leahy, R. (2015). Emotional schema therapy. New York: Rutledge.
- Leahy, R. (2002). A model of emotional schemas. *Cognitive and Behavioral Practice*, 9, 177-90.
- Leahy R.L. (2010). Emotional schemas and resistance to change in anxiety disorders. In D. Sookman (Ed.), *Treatment resistant anxiety disorders* (pp.135-160). New York: Rutledge.
- Leahy, R. L. (2007). Emotional schemas and resistance to change in anxiety disorders. *Cognitive and Behavioral Practice*, 14(1), 36-45.
- Leahy, R. L., Tirsch, D. D., & Melwani, P. S. (2012). Processes underlying depression: Risk aversion, emotional schemas, and psychological flexibility. *International Journal of Cognitive Therapy*, 5(4), 362-379.
- Leahy, R. L., Tirsch, D., & Napolitano, L. A. (2011). *Emotion regulation in psychotherapy: A practitioner's guide*. New York: Guilford Press.
- Lieb, K., Zanarini, M. C., Schmahl, C., Linehan, M. M., & Bohus, M. (2004). Borderline personality disorder. *The Lancet*, 364(9432), 453-461.
- Linehan, M. M. (1993). Dialectical behavior therapy for treatment of borderline personality disorder: implications for the treatment of substance abuse. *NIDA Research*
- Mahmoud Alilou, M., & Sharifi, M. (2013). *Borderline personality disorder: Theoretical issues and treatment methods*. Tehran: Arjmand Publications. [In Persian].
- Martins, C. M. S., Baes, C. V. W., & Juruena, M. (2011). Analysis of the occurrence of early life stress in adult psychiatric patients: A systematic review. *Psychology & Neuroscience*, 4(2), 219-227.
- McLaughlin, G (2007). *Children's emotion regulation: A step-by-step guide for parents, teachers, counselors and psychologists*. Translated by A. R. Kiani and F.

- patterns to anxious arousal. *International Journal of Cognitive Therapy*, 5(4), 380-391.
- Tonmyr, L., & Shields, M. (2017). Childhood sexual abuse and substance abuse: A gender paradox? *Child Abuse & Neglect*, 63, 284-294.
- Westbrook, J., & Berenbaum, H. (2017). Emotional awareness moderates the relationship between childhood abuse and borderline personality disorder symptom factors. *Journal of Clinical Psychology*, 73(7), 910-921.
- Westphal, M., Leahy, R. L., Pala, A. N., & Wupperman, P. (2016). Self-compassion and emotional invalidation mediate the effects of parental indifference on psychopathology. *Psychiatry Research*, 242, 186-191.
- Yen, S., Zlotnick, C., & Costello, E. (2002). Affect regulation in women with borderline personality disorder traits. *Journal of Nervous and Mental Disease*, 190, 693-696.
- Salzman, J. P., Salzman, C., Wolfson, A. N., Albanese, M., Looper, J., Ostacher, M., & Miyawaki, E. (1993). Association between borderline personality structure and history of childhood abuse in adult volunteers. *Comprehensive Psychiatry*, 34(4), 254-257.
- Sauer, S. E., & Baer, R. A. (2010). Validation of measures of biosocial precursors to borderline personality disorder: Childhood emotional vulnerability and environmental invalidation. *Assessment*, 17(4), 454-46.
- Stepp S. D., Whalen, D. J., Scott, L. N., Zalewski, M., Locher, R., & Hipwell, A. (2014) Reciprocal effects of parenting and borderline personality disorder symptoms in adolescent girls. *Journal of Development and Psychopathology*, 26(2)361-378.
- Tirch, D. D., Leahy, R. L., Silberstein, L. R., & Melwani, P. S. (2012). Emotional schemas, psychological flexibility, and anxiety: The role of flexible response